

## اخلاق پزشکی در «خلاصه‌الحکمه»

سید ضیاءالدین تابعی<sup>۱</sup>، مهدی پاسالار<sup>۲\*</sup>، مهرزاد کیانی<sup>۳</sup>

### مقاله‌ی مروری

#### چکیده

یکی از اصول بنیادین در طب سنتی ایرانی، رعایت موازین اخلاقی در این حرفه‌ی مقدس است که در کلام و آثار بنیانگذاران این مکتب طبی می‌توان بارها این تأکید را مشاهده کرد. یکی از این منابع غنی، کتاب گرانسنگ «خلاصه‌الحکمه» تألیف دانشمند فرزانه‌ی ایران زمین، حکیم سید محمد حسین عقیلی خراسانی شیرازی است که نگارش آن به بیش از دو قرن پیش بازمی‌گردد و در این مطالعه‌ی توصیفی و کتابخانه‌ای، به بررسی آن می‌پردازیم. نکته‌ی حایز اهمیت در این اثر، توجه دقیق و نکته‌سنجی ویژه‌ی این پزشک عالیقدر در تبیین اصول اخلاق پزشکی است. پیشینه‌ی ارائه‌ی اصول چهارگانه‌ی اخلاق پزشکی در پزشکی نوین، سابقه‌ای چندین طولانی ندارد، حال آن‌که در این ذخیره‌ی طب پارسی، این اصول به زیبایی تشریح و بازخوانی شده‌است. شناخت این منابع برای پزشکان و پژوهشگران جوان و تحلیل و مقایسه‌ی آن بر اساس اصول اخلاقی پزشکی نوین، نشانه‌ی روشنی از ریشه‌دار و اخلاق‌مدار بودن مکتب طب اخلاقی (Humoral Medicine) است. هدف از این مطالعه، تحلیل و بررسی نکات اخلاق پزشکی در کتاب نفیس «خلاصه‌الحکمه» است.

واژگان کلیدی: طب سنتی ایران، اخلاق پزشکی، کتاب خلاصه‌الحکمه

<sup>۱</sup> استاد، گروه اخلاق پزشکی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

<sup>۳</sup> دانشیار، دانشکده‌ی طب سنتی و مفردات پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

\* نشانی: شیراز، خیابان زند، دانشکده‌ی پزشکی، دفتر گروه اخلاق پزشکی، تلفن: ۰۷۱۱-۲۳۴۸۹۸، Email: pasalar@sums.ac.ir

## مقدمه

اخلاق پزشکی، رعایت موازین اخلاق عمومی و تخصصی توسط شاغلان حرف پزشکی در رشته‌های وابسته تعریف شده است و وقتی با دیدگاه فضیلت‌گرا به این تعریف بنگریم، طبیعی است که قادر به تفکیک اخلاق پزشکی از اخلاق عمومی نباشیم (۱). در بیان اخلاق پزشکی تفاوت‌هایی در جوامع گوناگون وجود دارد که از تفاوت‌های پایه‌ای در نگرش به دستورات اخلاقی نشأت گرفته است (۲). آموزه‌های اخلاقی ریشه در قرن‌ها پیش از میلاد مسیح دارند (۳) چنان‌که، یکی از اولین دست‌نوشته‌های بشری در این خصوص، قانون حمورابی است که توسط بابلیان تنظیم شده و به بیش از هفده قرن پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد (۴).

طب سنتی ایرانی، که با توجه به وابستگی بر اخلاط چهارگانه (صفرا، دم، بلغم و سودا) به طب اخلاطی (Humoral Medicine) نیز شهرت یافته، با سابقه‌ای بس طولانی، رعایت موازین اخلاقی در حرفه‌ی پزشکی را از اصول پایه‌ای در آموزش، پژوهش و درمان قرار داده است و با بررسی متون و منابع طب سنتی ایران، این آموزه‌های اخلاقی را به کرات در نوشته‌های بزرگانی چون رازی، ابن‌سینا، مجوسی اهوازی، علی بن رضوان و ... می‌توان یافت (۶، ۵)؛ چرا که در این مکتب بین طب جسمانی و طب روحانی رابطه‌ای نزدیک برقرار است، چنان‌که برخی بر این عقیده‌اند که طب سنتی ایران بر اخلاق اسلامی و روش‌های اخلاقی چون تهذیب نفس تأثیرگذار است (۸، ۷) و علم پزشکی و فقه، در دین مبین اسلام مترادف دانسته شده‌اند (۹). در این میان، پاره‌ای منابع طب سنتی ایران مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند، در حالی که گنج‌های ناشناخته‌ای را در دل خود دارند که شایسته‌ی توجه و شناخت آن توسط دانش‌پژوهان جوان و علاقه‌مند است. یکی از کتب اصیل طب پارسی، کتاب «خلاصه‌الحکمه» است که به قلم یکی از دانشمندان بزرگ ایرانی نوشته شده و در ادامه به معرفی کتاب

و نویسنده‌ی آن می‌پردازیم.

کتاب «خلاصه‌الحکمه» یکی از منابع اصیل و زیربنایی طب سنتی ایرانی است که به‌خوبی نشانگر عمق و اعتبار دانش طب کهن ایرانی در این سرزمین دیرپا و باستانی است. این کتاب یکی از معدود منابع طب سنتی ایرانی است که به زبان فارسی نگاشته شده است (اگرچه برخی از لغات هندی است). گرچه اوج شکوفایی دانش پزشکی در ایران همزمان با تألیف این کتاب نیست و به قرن‌ها قبل از آن برمی‌گردد، بی‌شک این کتاب ویژگی‌های خاص خود را دارد که شایسته‌ی تتبع و توجه ویژه است. نگارش این کتاب به سال ۱۱۹۵ هجری قمری یعنی به بیش از ۲۳۰ سال پیش برمی‌گردد که پس از آثار ارزشمندی چون مخزن‌الادویه و قربادین کبیر، سومین مجموعه‌ی گرانبها از کتب چهارگانه‌ی معروف این دانشمند بلندپایه‌ی طب سنتی ایران است (کتاب چهارم معالجات نام دارد). این کتاب شامل دو بخش (یا به تعبیر نویسنده، یک مقدمه، دو مقاله و اختتام) است که به‌طور کامل به بررسی طب نظری و طب عملی می‌پردازد و با نقد و بررسی آراء و نظرات دانشمندان پیش از خود، کتاب جامعی را پیش روی علاقه‌مندان طب سنتی ایران قرار می‌دهد.

از این کتاب نسخه‌های زیادی در دسترس نیست و نسخه‌های موجود اعم از چاپی یا خطی از پنج نسخه فراتر نمی‌رود که خوشبختانه در سال ۱۳۸۶، با تصحیح خوبی که توسط استاد اسماعیل ناظم صورت گرفته، کتاب «خلاصه‌الحکمه» در سه مجلد و با چاپی مناسب توسط مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل به زیور طبع آراسته شده و در اختیار خوشه‌چینان خرمن طب سنتی ایران قرار گرفته است، کتابی که در بین کتب فارسی تا به حال، کتابی به این حجم در باب کلیات طب سنتی ایرانی، نگاشته نشده است (۱۰).

محمد حسین ابن محمد هادی عقیلی خراسانی شیرازی معروف‌ترین و اثرگذارترین دانشمند خاندان عقیلی است که

هدف از این مطالعه، تحلیل و بررسی آراء و نظریات اخلاق پزشکی در یکی از کتب نفیس فارسی «خلاصه الحکمه» است که توسط یکی از اندیشمندان مکتب طب سنتی ایرانی در بیش از دو قرن پیش به رشته‌ی تحریر درآمده است. این نظرات از دیدگاه اصول اخلاق پزشکی در طب نوین، مورد بازخوانی قرار می‌گیرد.

### روش کار

پژوهش حاضر به شیوه‌ی مطالعه‌ی کتابخانه‌ای می‌باشد که به بررسی یکی از منابع اصیل طب نیاکان ما که به زبان فارسی نوشته شده یعنی کتاب گرانقدر «خلاصه الحکمه» تألیف حکیم فرزانه محمد حسین عقیلی خراسانی شیرازی می‌پردازد. در این بررسی ما با مراجعه به کتاب تصحیح شده‌ی «خلاصه الحکمه» که توسط مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل انتشار یافته است (سال ۱۳۸۶) و بررسی فصل مربوط به وظایف اخلاقی پزشک، به تحلیل و واکاوی آراء و نظرات اخلاقی نویسنده پرداخته‌ایم. هم‌چنین، پاره‌ای از مقالات منتشر شده در مجلات علمی معتبر که از طریق مراجعه به پایگاه‌های اطلاع‌رسانی این مجلات و موتورهای جست‌وجوی اینترنتی مانند google scholar به‌دست آمده است، مورد استناد قرار گرفته است. در جست‌وجوی اینترنتی از کلمات کلیدی مانند طب سنتی، اخلاق پزشکی، نام کتاب یا نویسنده یا معادل لاتین آن‌ها استفاده شده است.

بین سال‌های پایانی قرن دوازدهم تا سال‌های آغازین قرن سیزدهم هجری قمری زیسته و از خاندان سادات جلیل‌القدر ایرانی است که تعداد زیادی از آنان از دانشمندان بنام این سرزمین هستند و به‌نظر می‌رسد که نویسنده‌ی کتاب مذکور، آخرین دانشمند این خاندان علم‌پرور است که در تاریخ ذکری از او رفته است. گرچه تاریخچه‌ی زندگی این حکیم فرزانه به روشنی نقل نشده است اما چنین به‌نظر می‌رسد که این طبیب بزرگ در دارالعلم شیراز متولد شده و سال‌های زیادی از عمر پربرکت خود را در سرزمین‌های مختلف به‌ویژه هندوستان به علم‌اندوزی، طبابت و علم‌آموزی سپری نموده است و این خاندان را می‌توان از پایه‌گذاران علم طب در شبه‌قاره‌ی هندوستان برشمرد و بیش‌تر استادان او نیز، همان خویشان و نزدیکان او هستند که در این بین پدر او، محمد هادی علوی، جایگاه ویژه‌ای دارد.

از این دانشمند فرهیخته‌ی مکتب طب سنتی ایرانی کتب زیادی ذکر شده است که برخی از آن‌ها امروزه موجود نیست، اما مجمع‌الجوامع که در واقع کتب چهارگانه‌ای است که پیش از این ذکر آن رفت، از معروف‌ترین و کاربردی‌ترین کتب از گنجینه‌ی ارزشمند طب سنتی ایران است.

تسلط علمی، آشنایی با آخرین علم روز، روحیه‌ی تتبع و پژوهشگری، ارائه‌ی نظرات علمی مستقل و شخصی، تواضع مثال‌زدنی، احترام به نیاکان و پیش‌کسوتان، پایبندی به شرع و تخلق به اخلاق اسلامی از ویژگی‌های بارز محمد حسین عقیلی است که در جای‌جای کتاب ارزنده‌ی «خلاصه الحکمه» نمود یافته است (۱۰).

### جدول ۱- مرور گذرایی بر موارد بیست و دوگانه‌ی مورد اشاره در کتاب و اصول هم ارز آن در اخلاق پزشکی نوین

اصول هم ارز در اخلاق پزشکی نوین	مهم‌ترین نکات مورد اشاره در کتاب
۱- توجه به شافی حقیقی، ستایش استاد و معلم، احترام به سایر اطباء و نظرات آن‌ها و درس - اخلاق حرفه‌ای گرفتن از تجربیات آنان	۱- اصل سودمندی
۲- پیگیری احوال بیماران، تدبیر صحیح با اختصاص وقت کافی	۲- اصل ضرر نرساندن
۳- کتمان اسرار بیمار	۳- اخلاق حرفه‌ای
۴- حسن برخورد با بیمارانی که به بیماری مسری مبتلایند	۴- اصل رازداری
	۵- اخلاق حرفه‌ای

اصل عدالت	
اصل سودمندی	۵- مطالعه، پژوهش و تدبیر مستمر، عدم اصرار بر اشتباه
اصل ضرر نرساندن	
اخلاق حرفه‌ای	
اخلاق در پژوهش	
اخلاق حرفه‌ای	۶- برخورد محترمانه با نظرات مخالف
اخلاق حرفه‌ای	۷ و ۸- تأکید بر ادامه‌ی درمان نزد طبیب حاذق، ارجاع بیمار به طبیب ماهر
اصل سودمندی	
اصل ضرر نرساندن	
اصل اتونومی	۹- ارجاع بیمار به پزشک مورد اعتماد بیمار
اصل سودمندی	
اصل ضرر نرساندن	
اخلاق حرفه‌ای	
اصل سودمندی	۱۰- ارجاع بیماری که به درمان جواب نمی‌دهد به پزشک حاذق‌تر
اصل ضرر نرساندن	
اخلاق حرفه‌ای	
اصل اتونومی	
اصل سودمندی	۱۱ تا ۱۶- رعایت اصول و ترتیب درمان، رعایت اصول صحیح درمان دارویی، دقت در تجویز
اصل ضرر نرساندن	داروی مناسب با مرض، رعایت اصول درمان در اجتماع چند مرض، توجه به درمان علت تا
اخلاق حرفه‌ای	تسکین علائم بیماری، توجه به نحوه‌ی اثر داروها
اصل ضرر نرساندن	۱۷- پرهیز از داروی مضر و سمی و سقط جنین
اخلاق حرفه‌ای	
اصل سودمندی	
اخلاق حرفه‌ای	۱۸- نداشتن بخل علمی، پیگیری درمان بیماران، برخورد مساوی با بیماران مختلف، رعایت
اصل عدالت	اصول اخلاقی
اصل سودمندی	
اصل ضرر نرساندن	
اخلاق حرفه‌ای	۱۹- منت نهادن بر بیمار و شاگرد
اخلاق حرفه‌ای	۲۰- رعایت اصول اخلاقی، دقت در پذیرش یا رد هدیه از بیماران
اخلاق حرفه‌ای	۲۱- عدم درمان بیمار سایر پزشکان
اصل اتونومی	
اخلاق حرفه‌ای	۲۲- پرهیز از صفات نکوهیده، پرهیز از محرمات، عدم توصیه بر رفتار مضر به بیماران، اتصاف به
اصل ضرر نرساندن	اخلاق حمیده و اجتناب از رذایل
اصل سودمندی	

### بحث

معالجه می‌پردازد. اولین نکته‌ای که نویسنده بر آن به تفصیل تأکید می‌نماید علمی است که طبیب باید بیاموزد و آموختن این علوم ده‌گانه را برای طبیب ضروری می‌شمارد. و از جمله‌ی این علوم، علم اخلاق است که در کنار علوم چون

نویسنده‌ی اندیشمند کتاب «خلاصه‌الحکمه»، پس از آوردن فصولی در باب تعریف و غایت علم طب و فضیلت و شرف آن، در سومین فصل کتاب به آداب و اخلاق طبیب

فقه و حدیث، منطقی، طبیعی، هندسه، هیأت، نجوم، حساب و فراست باید در آموختن آن سعی بلیغ نماید تا به قول نویسنده‌ی کتاب «ملکه‌ی خود گرداند بعضی از آن را تا صاحب خلق نیکو باشد».

سپس در این فصل از کتاب، بیست و دو امر را از آداب و اخلاق حکیم برشمرده و به تفصیل و تفسیر آن می‌پردازد.

در جدول شماره‌ی ۱، به‌طور خلاصه به موارد بیست‌ودوگانه مزبور اشاره شده است. اولین موضوع مورد اشاره، که تأکید بر اصول اخلاق حرفه‌ای و احترام به هم‌نوعان است، توجه به آن است که طبیب به وقت معالجه، شفادهنده را خداوند قادر متعال بداند و دائماً از فیض و برکت خداوندی مدد بخواهد. هم‌چنین «استاد و معلم خود را بستاید و شکر و احسان او نماید» و به تعبیر نویسنده‌ی کتاب، اساتید باعث تولد روحانی و حیات معنوی طبیب هستند و او را از تنگنای جهل و ظلمت به نور و آگاهی رهنمون شده‌اند. هم‌چنین، هیچ‌گاه در رد و انکار سخن دیگران، خواه درست یا غلط باشد، بدون تأمل تعجیل نکند و طبیبان دیگر را مورد بی‌احترامی قرار ندهد و «خطای دیگران را مایه‌ی افتخار و تعزز خود نشمارد، بلکه مایه‌ی تنبه خود داند که خود چنین تدابیر ننماید».

نکات بعدی مورد اشاره، توصیه به حسن خلق، گشاده‌رویی و رفتار نیکو و شایسته با بیماران است و تأکید بر این که «سخنی نگوید که باعث یأس آن‌ها گردد، بلکه به ترحم و تلطف و مدارا، مکرر سخن آن‌ها را بشنود». دیگر امری که نویسنده‌ی کتاب بر آن اصرار می‌ورزد، کتمان اسرار، عدم افشای بیماری آن‌ها، حتی به نزدیک‌ترین اعضای خانواده‌ی آن‌هاست. هم‌چنین، در بیماری‌های مسری و بیماری‌های منتقله‌ی جنسی تأکید می‌نماید که نباید به سرزنش یا بدرفتاری با بیماران پرداخت «بلکه به حسن خلق مداوا نماید و بعد صحت، به‌عنوان نصیحت منع نماید که دیگر با چنین کسان مباشرت و معاشرت و مجالست ننماید» و آن‌چنان که پیداست، یادآور اصول اخلاقی رازداری و رعایت

اخلاق حرفه‌ای است.

پنجمین امر مورد توصیه‌ی نویسنده‌ی کتاب، این است «که حریص باشد بر معالجه و تدبیر مرضی (بیماران) و تحقیق امراض و ادویه» که طبیب را از طریق تجربه، مطالعه، مشورت و تکرار، توصیه به کسب این فعل مهم می‌نماید و خواستار قبول سخن حق و صادقانه و قبول اشتباه و عدم اصرار بر غلط می‌گردد که نداشتن این‌چنین رفتاری، «علامت جهل مرکب است»، اصولی که امروزه در قالب سرفصل اخلاق در پژوهش مورد تأکید اندیشمندان قرار گرفته است.

در راستای رعایت اخلاق حرفه‌ای، از پزشک می‌خواهد تا سخن باطل یا ضعیف دیگران را به‌ویژه در جمع رد نکند و حتی‌الامکان به‌نحوی نیکو و با حسن‌کلام توجیهی شایسته بیاورد که عاری از بی‌احترامی و خصومت باشد. هم‌چنین، طبیبان را توصیه می‌نماید تا اگر با بیماری روبه‌رو شدند که قبلاً نزد پزشکی حاذق‌تر رفته و احوال او رو به بهبودی است، با کلام لطیف و خوشرویی، از بیمار بخواهند که درمان خود را نزد همان پزشک ادامه دهد تا سلامتی کامل خود را بازیابد. از دیگر سو، توصیه می‌نماید که اگر متوجه شود پزشکی در حال معالجه بیماری است و درمان او خطاست، در خلوت و پنهانی از مریض، از اولیا یا پرستاران او بخواهد تا او را به پزشکی دیگر ارجاع دهند. نکته‌ی دیگر مورد اشاره آن است که «اگر مریضی بدو رجوع آورد و او را معتقد خود نداند و متزلزل و متردد و مایل به دیگری ببیند یا آن‌که سخن‌ناشنو و ناپرهیز باشد که آنچه گوید به خلاف آن عمل آورد»، از بیمار، اولیا یا پرستاران او عذرخواهی نموده و با جلب رضایت او، وی را به پزشک دیگر ارجاع دهد.

دهمین اصل مورد اشاره در توصیه‌های اخلاقی عقیلی شیرازی آن است که اگر در مسیر درمان و معالجه‌ی بیماری، توفیقی حاصل ننماید و درمان به طول انجامد، از بیمار، سرپرستان یا پرستاران او عذرخواهی نماید و او را به پزشکی ماهرتر ارجاع نماید و «لجاجت در معالجه ننماید و کار او را تباه نسازد»، که به تعبیری، ترجمانی از اصل عدم اضرار به

دیگران است.

نکته‌ی دیگری که نویسنده‌ی کتاب «خلاصه‌الحکمه» به تفصیل بر آن تأکید می‌ورزد، رعایت اصول درمان است یعنی «حتی‌المقدور به تدابیر در امر اغذیه و اشربه و سایر سته‌ی ضروریه نماید، اگر از این امور زایل گردید و صحت حاصل شد، فهوالمطلوب والا لابد متوجه ادویه شود و تا با ادویه‌ی مفرده و ضعیفه مقصد حاصل گردد، به ادویه‌ی قویه‌ی مرکبه نپردازد». از سویی، خواستار تغییر دارو یا میزان آن در زمان لازم از سوی طبیب می‌شود و در موارد ضروری، درمان‌های قوی و تهاجمی‌تر را جایز می‌شمارد و در مواردی که تشخیص دقیق مرض برای طبیب ممکن نیست، خواستار تجربه‌ی داروهای ضعیف برای رسیدن به تشخیص صحیح می‌شود؛ گویی نویسنده می‌خواهد اصل سودمندی را در قالب کاربرد عملی آن در طب توصیف نماید.

چهاردهمین نکته‌ای که مورد تأکید نویسنده قرار گرفته، «آن که چون چند مرض با هم مجتمع گردند، ابتدا نماید بر مرض اصلی که سبب مرض دیگر است» و «یا آن که یکی از آن امراض، اهم از دیگری باشد، مانند آن که یکی حاد و دیگری مزمن باشد» یا «هرگاه مجتمع گردد مرض و عرض با هم، اول متوجه مرض گردد، پس عرض». هم‌چنین، از طبیب می‌خواهد که «مداومت بر غلط ننماید و ترک و گریز از صواب جهت تأخیر اثر آن هر دو ننماید». یعنی اگر طبیب تسکینی در برخی علایم ببیند، از توجه دقیق به بیماری غافل نگردد، چرا که شاید بیماری مداوا نشده باشد و این همه در راستای رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای و عدم اضرار به دیگران است.

دیگر اصل مورد توجه صاحب کتاب، که معادل خوبی بر اصل اخلاقی سودمندی است، توصیه‌ی او بر شناخت دقیق عملکرد ذاتی و عرضی داروهاست، یعنی بر پزشک فرض است که به‌درستی با نحوه‌ی عملکرد داروها در هنگام مصرف برای بیماران مختلف آشنایی کامل داشته باشد، هم عملکرد اصلی و هم عملکرد تبعی دارو.

هفدهمین اصل مورد تأکید محمد حسین عقیلی خراسانی شیرازی، که با اصل عدم اضرار به دیگران هم‌آوایی دارد، آن است که داروی مضر کشنده، باعث سقط یا فاسدکننده‌ی اعضا و ضعیف‌کننده‌ی برخی اعضا مانند مغز و دستگاه عصبی را هرگز تجویز ننماید و «دایم در پی ایصال خیر و نفع باشد نه فساد و ضرر، زیرا که طبیب خادم طبیعت است و طبیعت، مدبر و مصلح و حافظ بدن نه مفسد و مهلک و غافل از آن» است، مگر آن‌که جان شخص در خطر باشد که در این صورت، شرایط متفاوت است.

نکته‌ی دیگری که در این بخش مورد توجه نویسنده قرار گرفته است، توصیه به این امر است که در آموزش و مداوای بیماران بخیل نباشد و بر شاگردان و بیماران خود مهربان، همراه و پیگیر احوال آنان بوده و «دایم در تدبیر اصلاح و ترقی ایشان در تعلم و امر اغذیه و اشربه و ادویه و غیرها باشد و ضحرت و دلتنگی نکند» و در راستای اجرای اصل عدالت، بین افراد متمول و فقیر یا صاحب مقام و دون پایه تفاوتی قایل نشود و به‌دلیل فقر به کسی به دیده‌ی حقارت نگرد «بلکه تفقد و توجه او بر ایشان زیاده باشد».

دیگر توصیه‌ی اخلاقی این کتاب آن است که به‌جای منت گذاردن بر شاگردان و بیماران، بر خود منت نهد که به لطف آنها، توانسته بر علم طب تسلط یافته و پیشرفت کند.

بیستمین اصل مورد توجه نویسنده‌ی «خلاصه‌الحکمه» پافشاری بر اجرای اصول اخلاقی است آن‌جا که می‌فرماید: «قانع و شاکر و راضی و سخی و عالی‌همت باشد و طامع و حریص و مولع و بخیل نباشد و طمع بر مال و منال شاگردان و مریضان ننماید و طلب از ایشان نکند». از سویی، با پرهیز دادن پزشک از اخلاق رذیله‌ای چون شرب خمر و نظر حرام بر محارم، خواستار تقویت اخلاق حسنه و ایجاد ارتباط توأم با احترام در رابطه‌ی بین همکاران و ارتباط با بیماران می‌شود. هم‌چنین، توصیه می‌نماید که اگر بیماران هدیه‌ای را با میل و رضایت به طبیب دهند، بپذیرد و بالعکس، اگر دریابد از روی اکراه و اجبار، هدیه‌ای آورده‌اند از قبول آن عذرخواهی نماید،

اصلی که در اخلاق پزشکی نوین نیز تأیید شده است (۷). دیگر آن که، ضمن عذرخواهی فراوان، به درمان بیمارانی که مدت‌ها توسط دیگر پزشکان تحت درمان بوده‌اند، نپردازد. و آخرین نکته‌ی مورد تأکید محمد حسین عقیلی خراسانی شیرازی در این کتاب، پرهیز از صفاتی چون پرگویی، پرخوری، خوشگذرانی، سخن بیهوده گفتن، شرب خمر و ارتکاب اعمال مذموم، نظر حرام بر محارم و مدح افعال ناشایست است.

در مجموع، صاحب کتاب «خلاصه الحکمه» معتقد است که طبیب باید «متصف به اوصاف و اخلاق حسنه‌ی مرضیه‌ی مذکوره و غیرمذکوره، و مجتنب و غیرمرتکب از اوصاف سیئه و اخلاق رذیله و خایف از عذاب و عقاب و راجی رحمت و ثواب الهی -جل شأنه- باشد».

در بررسی تطبیقی نظرات اخلاقی دانشمند گران‌سنگ ایرانی در کتاب «خلاصه الحکمه» با اصول اخلاقی موجود در دانش اخلاق پزشکی، توجه به این نکته ضروری است که دین اسلام یک مکتب غایت‌گرا و وظیفه‌گراست که تأکید بسزایی در ابعاد روحانی و جسمانی دارد و هدف غایی آن در امور اخلاقی، رستگاری و قرب الهی است (۸، ۷). یادآوری این نکته بدان دلیل ضرورت دارد که بدانیم کتب و منابع طب سنتی ایران، در مباحث اخلاقی خود برگرفته از این بینش و نگرش بوده‌اند (۸، ۴) و البته در مکتب طب سنتی ایران که مبتنی بر یک رهیافت جامع‌نگر است، این نگرش دور از ذهن نیست و حتی در منابع طبی ماقبل اسلام نیز، همواره اعتقاد به یکی از ادیان الهی وجود داشته است (۱۱).

اما نویسنده‌ی متشرع و متخلق به اخلاق کتاب «خلاصه الحکمه» که عمق اعتقاد و خداشناسی او را در سرتاسر جملات کتاب در قالب واژه‌های جلیله و عبارات توحیدی می‌توان احساس نمود، در این فصل از کتاب خود، اصول اخلاقی را با نگرش فوق‌مورد تأکید قرار داده است تا دانش‌پژوه طب سنتی ایرانی از ابتدا در تلاش برای کسب این فضایل اخلاقی و ملکه نمودن آن سعی بلیغ نماید.

نویسنده‌ی کتاب بر فراگیری دانش‌های لازم برای طبیب به‌عنوان اصلی اخلاقی تأکید می‌نماید و ناگفته پیداست، طبیب برای انجام وظایف خود بایستی شایستگی و مهارت علمی و عملی لازم را داشته باشد و در غیر این صورت، اصول سودمندی<sup>۱</sup> و عدم اضرار<sup>۲</sup> به دیگران به‌شدت مورد خدشه قرار می‌گیرد (۱۲، ۱۱). از دیگر نکات مورد توجه، رعایت موازین اخلاق حرفه‌ای در پرداختن به حرفه‌ی پزشکی است، چنان‌که در سایر منابع طب سنتی ایران نیز این نکته مورد توجه است (۶) مانند حسن خلق و گشاده‌رویی و ایجاد روحیه‌ی امید در بیمار که بسیار دقیق به آن پرداخته شده است.

هم‌چنین، اصل رازداری<sup>۳</sup> هم که از اصول مورد تأکید اخلاق پزشکی در طب نوین است، به زیبایی در این کتاب مورد اشاره واقع شده و در خصوص رعایت اصول حرفه‌ای و برخورد انسانی و بدون قضاوت با بیماران نیز، توصیه‌های اخلاقی نویسنده، موازین اخلاقی حاکم بر امور درمانی را پوشش می‌دهد و جلوه‌ای از اصل عدالت<sup>۴</sup> را به نمایش می‌گذارد. نویسنده‌ی کتاب با اشاره به نیاز طبیب به تجربه‌ی عملی، مطالعه و مشورت، قبول سخن حق و عدم اصرار بر غلط، به نوعی بر اصل سودمندی تأکید می‌ورزد و با دعوت به احترام و برخورد شایسته، بر رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای تأکید می‌ورزد.

رعایت اصول سودمندی و عدم اضرار به دیگران، نویسنده‌ی کتاب را بر آن می‌دارد تا بر ادامه‌ی درمان بیمار نزد پزشک حاذق‌تر و ماهرتر اصرار ورزد و بیمار را از ادامه‌ی درمان نزد پزشک ناآگاه بازدارد و بر مبنای اتونومی بیمار، توصیه می‌نماید تا بیمار، خود پزشک را انتخاب نموده تا با او به تعامل و درمان زودتری نایل شود و با لجاجت در درمان بی‌فایده‌ی خود، باعث ضرر رساندن به بیمار یا اطرافیان او

<sup>1</sup> Beneficence

<sup>2</sup> Non - Maleficence

<sup>3</sup> Confidentiality

<sup>4</sup> Justice

## نتیجه گیری

طب سنتی ایران مکتبی اخلاق مدار است که اصول بنیادین آن با پایه های علم اخلاق در پزشکی نوین، قرابتی چشمگیر دارد. شایسته است تا با احترام به این گنج ماندگار و ارزشمند، در احیا و معرفی آن به جوانان و پژوهشگران کشورمان و حتی فراتر از مرزهای این سرزمین، تلاشی دو چندان را وجهی همت خود سازیم و به جای پیروی صرف از منابع وارداتی، میراث دار و عرضه کننده ی فرهنگ والایی باشیم که روزگاری طولانی، نیاکان فرهیخته ای چون صاحب کتاب «خلاصه الحکمه»، پرچمداری یگانه برای معرفی آن در دنیا بوده اند.

نشود (اصل عدم اضرار به دیگران). هم چنین، در راستای دو اصل اخیر، از پزشک می خواهد تا در درمان بیماران، ابتدا بر اصلاح ستهی ضروریه اقدام نماید و سپس به تدابیر پیچیده تر مانند ادویه یا اعمال یدای مشغول شود، مگر آنجا که جان بیمار در خطر است که تعجیل در درمان های تهاجمی توصیه می شود (۸).

از آنجا که جان انسانها در دین مبین اسلام ارزش بسیار بالایی دارد و به عنوان امانتی الهی قلمداد می شود که حفظ آن از واجبات شمرده می شود (۱۳)، عقلی خراسانی شیرازی استفاده از داروهای مضر و کشنده و باعث سقط یا ضعیف کننده را مردود می شمارد.

نگاهی گذرا بر اصول اخلاقی مورد بحث در کتاب «خلاصه الحکمه» به خوبی بیانگر این نکته است که پزشکان بزرگ مکتب طب سنتی ایران، التفات ویژه ای به اخلاق پزشکی داشته اند که در امر آموزش، کار بالینی، تدریس و نگارش کتب آنها به وضوح نمایان است (۱۵-۱۳) تا جایی که برخی، اخلاق پزشکی را بخشی از طب سنتی دانسته اند (۸، ۱۶) و با وجود آن که معرفی اصول و موازین پزشکی نوین، سابقه ای چند ده ساله دارد (۷، ۱۷)، اصول اخلاقی در منابع طب سنتی، برگرفته از بینش توحیدی و نگرش خداجویانه ای است که در سرتاسر متون به چشم می آید و سرمایه ی نیاکانی است که از چندین قرن قبل به دست ما رسیده است (۱۹، ۱۸، ۴، ۱) و این امر می تواند دلیلی روشن بر به روز بودن این میراث معنوی کهن باشد.



## منابع

- ناظم ا. تهران: انتشارات مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل؛ ۱۳۸۶، ص ۳۰-۱.
- ۱۱- عین‌اللهی ب، زالی ع، حاتمی ح. پژوهش محوری در پزشکی نیاکان (طب سنتی ایران و جهان اسلام). مجله علمی پژوهشی طب و تزکیه ۱۳۸۷؛ دوره ۶۹-۶۸: ۸۲-۹۵.
- ۲- Ayatollahy HR. Foundations of medical ethics with an emphasis on Iranian-Islamic attitudes. Medical ethics: global issues and multicultural perspectives. Cambridge University, England; 2004.
- ۳- فرهود د. مروری بر تاریخچه‌ی اخلاق. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری ۱۳۸۶؛ دوره ۲-۱: ۱-۶.
- ۴- لاریجانی ب، زاهدی ف، امامی رضوی س. ح. تاریخچه‌ی اخلاق پزشکی در ایران. مجله لپید و دیابت ایران ۱۳۸۵؛ دوره ۲(۶): ۱۱۳-۲۴.
- 5- Kaadan AN, Mahrouseh N. Medical Ethics in Arab Islamic Medicine. <http://ishim.net/articles.htm> (accessed in 2010)
- ۶- طباطبایی س. م. برخی معیارهای اخلاق پزشکی از دیدگاه محمد بن زکریای رازی. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی ۱۳۸۷؛ دوره ۱(شماره ۲): ۱-۶.
- ۷- حسینی ا، صمدزاده س، آقازاده ج. اصول و موازین اخلاق پزشکی و میزان سازگاری آن با مبانی اخلاق اسلامی. مجله پزشکی ارومیه ۱۳۸۶؛ دوره ۴: ۶-۶۵۲.
- ۸- اترک ح، اترک ش، ملبخشی م. تأثیر طب سنتی بر اخلاق اسلامی. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی ۱۳۸۹؛ دوره ۳(شماره ۳): ۲۴-۳۴.
- ۹- نواب س ا. حوزه اخلاق پزشکی در اسلام و غرب. چکیده مقالات دومین کنگره اخلاق پزشکی ایران؛ سال ۱۳۸۷.
- ۱۰- عقیلی خراسانی س م ح. خلاصه الحکمه. تصحیح
- ۱۳- هاشمی ز، مرتضوی س. م. ج. اتانازی از دیدگاه اسلام و اخلاق پزشکی نوین. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی ۱۳۸۷؛ دوره ۱(شماره ۳): ۳۵-۴۳.
- ۱۴- چنگیزی آشتیانی س، شمس‌ی م، کبیری نیا ک. نقش رازی در آموزش پزشکی نوین. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی ۱۳۸۹؛ دوره ۳(شماره ۲): ۷-۱۵.
- 15- Sarmadi MT, Kanani Zanjani S. A Research on the History of World Medicine and Treatment, 1<sup>st</sup> ed. Tehran: Homa Printing House; 2002, Vol 1., p. 306.
- ۱۶- فارابی ا. فصول منتزعه. تحقیق فوزی متری نجار. تهران: انتشارات الزهراء؛ ۱۴۰۵ ه. ق.، ص ۴-۲۳.
- 17- Nanji A. Islamic ethics. In: Singer P. A companion to Ethics. Oxford: Wiley-Blackwell; 1993, p. 106-18.
- ۱۸- لاله ه، وافر ر. تاریخچه‌ی تحول طب سنتی به طب نوین در دوره‌ی قاجار. فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء ۱۳۸۵؛ دوره ۶۰: ۱۶۵-۱۳۲.
- ۱۹- محرری م ر. تاریخچه و کلیات اخلاق پزشکی در مجموعه مقالات صاحب‌نظران درباره اخلاق پزشکی. تهران: دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی؛ ۱۳۶۹، ص ۲۱-۴۲.